آسیب‌های فضای مجازی بر زندگی زوجین و راهکار

زندگی نمایش

زهره احمدی
خبرنگار چاردیواری

**وقتی خنده‌ها و قربان صدقه رفتن‌های زوج بلاگر را می‌دید که در لباس‌های گران‌قیم
خواننده محبوب‌شان هستند و عشق و علاقه نثارهم می‌کنند، ناخودآگاه زندگی و رف
مقایسه می‌کرد و با خودش فکر می‌کرد مگر او چه چیزی از دیگران کم دارد که نمی‌تو
عاشقانه او را دوست ندارد و برایش وقت نمی‌گذارد و قربان صدقه‌اش نمی‌رود؟!
اصلا انگار همسرش او را دوست نداشت. درست است که از صبح اول وقت تا آخر وقت سرکار بود و دو جا کار می
و حتی گاهی وقت‌ها با شاخه‌ای گل یا هدیه‌ای کوچک به خانه می‌آمد تا او را شاد کند اما هدیه‌های همسر او ک
می‌خرید، کجا؟ این مقایسه‌ها حتی باعث شده بود خیلی وقت‌ها با همسرش کارشان به قهر و دلخوری بکشد. تا
کرد و فهمید تمام این مدت شاهد نمایشی بوده که پشت صحنه‌اش از آنچه روی صحنه جریان داشت بسیار متفا**

نمایشی از یک زندگی آرمانی

بلاگرهای فضای مجازی اغلب اوقات یک زندگی آرمانی را پیش چشم مخاطبان‌شان به تصویر می‌کشند. وقتی وارد صفحات‌شان می‌شوی، احساس می‌کنی اینجا همه چیز در ایده‌آل‌ترین شکل ممکن قرار دارد. زن و شوهرهایی مرتب و اتوکشیده که انگار همین الان از آرایشگاه آمده‌اند و قرار است به یک مهمانی رسمی یا حتی یک عروسی بروند. لباس‌ها و سر و روی مرتب و آراسته‌شان می‌تواند تو را به یاد مهمانان عروسی بیندازد. اما ظاهرا آنها در خانه هستند و قرار نیست جایی بروند! یا در نهایت قرار است میزبان چند نفر مهمان باشند؛ مهمانانی که برایشان میزی شاهانه چیده‌اند و انواع و اقسام غذاها در میزشان با بهترین فرم ممکن چیده شده است. این زوج‌ها همیشه به هم لبخند می‌زنند و نگاه‌شان به هم عاشقانه است. انگار در زندگی آنها ردپایی از اختلافات و دعواهای زن و شوهری وجود ندارد! همچنان‌که ظاهرشان در تمام ریلزها و استوری‌های به نمایش گذاشته شده به غایت موزون است!

اینجا یک نمایش است!

حتما شما هم شنیده‌اید که « باطن زندگی خود را با ظاهر زندگی دیگران مقایسه نکنید»؛ این جمله وقتی پای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به میان می‌آید بسیار جدی‌تر می‌شود.

اصلا ویژگی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی این است که افراد را به داشتن یک زندگی نمایشی ترغیب می‌کند. اغلب آنهایی که در چنین فضایی فعالند به‌دنبال آن هستند تا خوشبختی‌ها و موفقیت‌های‌شان را به نمایش بگذارند و به



زمینه‌سازی برای خیان

**حضور در فضای مجازی می
برقراری ارتباطاتی منتهی شود که
نگاه نخست با تصور این‌که این ا
مجازی است و خیلی نباید آن
بگیریم از آن عبور کنیم اما این ا
می‌تواند رفته‌رفته بر زندگی زناشویی
بگذارد و ما را از همسرمان دور کند؛ به
این‌که هیچ انسانی کامل نیست و همه
نواقصی دارد.
حضور افراطی در فضای مجازی و ا
مجازی اما ممکن است این اح
در فرد به‌وجود بیاورد که با انسا
روبه‌روست و اگر با او زندگی می‌کرد ب
برنمی‌خورد!
براساس پژوهش‌ها در ۲۰ تا ۲۵ درصد پرو
طلاق در دادگاه‌های خانواده کش
فیسبوک ذکر شده و ۵۶ درصد طلاق‌ها
غیرمستقیم با شبکه‌های اجتماعی مرتب**

آسیب‌های فضای مجازی در نسلی با نگرش متفاوت



دکتر عالیه شکربیگی
جامعه‌شناس

امروز ما با اتفاق بسیار پیچیده‌ای مواجهیم. چون وقتی مثلا یک دختر خانم ۱۶ـ۱۵ ساله یک گوشی همراه هوشمند در اختیارش است و می‌داند با این موبایل چگونه کار کند، به قول مک لوهان در این دهکده جهانی سیر می‌کند.

در یکی از تحقیقاتی که خودم از نزدیک شاهد آن بودم و یکی از دانشجویان دکتری من موضوع «تاثیر فضای مجازی بر از هم گسستن زندگی خانوادگی» را انتخاب کرد از او پرسیدم چرا می‌خواهید این موضوع را مورد مطالعه قرار دهید؟ گفت به دلیل این‌که همسر خواهرم با سه فرزند در فضای مجازی ارتباطاتی پیدا کرده و در حال حاضر آنها در شرف طلاق هستند. از او پرسیدم آیا علت را فضای مجازی می‌دانید؟ گفت یکی از عوامل مؤثر آن بوده است. حالا تصور کنید کسی که وارد زندگی این خانواده با سه فرزند شده یک دختر خانم است! این نشان می‌دهد دیدگاه نسل‌ها عوض شده و نسل امروز می‌گوید حق من است وارد زندگی یک خانواده شوم حتی اگر سه فرزند داشته باشد! چون من می‌خواهم از زندگی لذت ببرم! آیا این عادت‌ها، اندیشه‌ها و شرایطی را که نسل امروز دارد، می‌شود تغییر داد؟ می‌شود به او گفت تو حق نداری این‌گونه فکر کنی؟ پس به نظرم نگره‌های نسلی عوض شده است.

بنابراین مهم‌ترین موضوع سواد رسانه‌ای است. با گنجاندن دو واحد درسی سواد رسانه‌ای در دوران ابتدایی، راهنمایی و دانشگاه موجب می‌شود تا یک دخترخانم و آقا پسر وقتی در فضای مجازی قرار می‌گیرند، بدانند چگونه باید با آن برخورد کنند. اینها می‌تواند به این جوانان و نوجوانان ما نسبت به حضور در فضای مجازی شناخت بدهد و اندیشه‌های انتقادی را در آنها تقویت کند.

در عین حال بحث دیگر تفاوت نسلی و شکاف نسلی و گسست نسلی است. نسل اول اگر مشکلی در زندگی‌اش پیش می‌آمد به سمت طلاق توافقی نمی‌رفت اما نسل امروز به‌راحتی این کار را انجام می‌دهد. وقتی با نسل جدید صحبت می‌کنیم، می‌گوید مگر من چند بار می‌خواهم به دنیا بیایم؟ چرا از لحظاتی که دارم، لذت نبرم و زندگی‌ام با خشونت، مشکل و درگیری باشد. باید با اینها ساعت‌ها صحبت کنیم. بنابراین دیدگاه نسل‌ها تغییر کرده و تنها چیزی که وجود دارد، این است که بیشتر تلاش کنیم تا حامی نسل‌های جدید باشیم و بکوشیم تا اصلاحاتی را در روابط آنها داشته باشیم و در رفتارمان با آنها بازنگری کنیم.